

پیش شماره پنجم

نشریه (داخلی) معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

امام جوادی (ع) می فرمایند:

العلمُ علماً، مطبوعٌ و مسموعٌ و لا ینفعُ مسموعٌ اذا
لم یکُ مطبوعٌ
بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۸۰

علم دو گونه است، علمی که شنیده می شود و علمی
که (علاوه بر شنیدن) تبعیت می شود. علم شنیده شده
تا زمانی که به آن عمل نشود، فایده ندارد.

کپی و زندگی
تقلید

راههای شناخت احکام

مکلف برای شناخت احکام دین و عمل به آنها سه راه دارد:

۱. اجتهاد ۲. احتیاط ۳. تقلید

۱- اجتهاد: یعنی استنباط و استخراج احکام شرعی و قوانین الهی از مدارک و منابع قطعی که نزد فقهای اسلام مقرر و ثابت شده است.

۲- احتیاط: یعنی عمل کردن به طوری که مطمئن شود وظیفه شرعی خود را انجام داده است، مثلاً کاری را که بعضی از مجتهدین حرام می دانند و بعضی دیگر حرام نمی دانند به جا نیاورد و کاری را که بعضی واجب می دانند و بعضی دیگر واجب نمی دانند، انجام دهد.

۳- تقلید: یعنی در احکام دین به مجتهد جامع الشرائط مراجعه کردن، و به عبارت دیگر بر طبق تشخیص و فتوی او اعمال شرعی را به جا آوردن.

توجه:

- مکلف اگر در احکام دین مجتهد نیست باید از کسی که مجتهد است تقلید کند و یا به احتیاط رفتار نماید.

- از آن جایی که عمل به احتیاط مستلزم شناسایی موارد و چگونگی احتیاط و صرف وقت بیشتر است، بهتر آن است که مکلف در احکام دین از مجتهد جامع الشرائط

تقلید کند.

اعتقادی

توحید الالهیه یا توحید الالهیه»

در شماره گذشته به بحث از توحید عبادی و اهمیت آن پرداخته شد. حال باید به این نکته توجه داشت که معمولاً تمامی کتاب های و هابیان توحید عبادی را با «توحید الالهیه» بیان می کنند و این از چند جهت قابل خدشه است:

الف: مصدر کلمه «اله» اله می باشد همانگونه که قبلاً از جوهری و راغب و طریحی نقل شد و در نسبت به آن باید گفته شود «وحدید الالهیه» نه «توحید الالهیه». آقای عبدالرحمن حسن حنبکه میدانی نیز گفته است: «مصدر صناعتی از کلمه «اله» به معنی معبود، الهیه می شود نه الوهیه ب: الوهیت در لغت به معنی عبادت آمده است، و عبادت از صفات انسان است نه از صفات خدای متعال. و توحید الوهیت یعنی فقط یک عبادت. و این خلاف مقصود و هابیان از این کلمه است. ج: آیه الله سبحانه فرموده است: «وهابیان الوهیت را از اله به معنی معبود گرفته اند، و این خطا است، زیرا الله و اله به یک معنی بوده با این تفاوت که اله کلی است و الله یک مصداق آن است. با توجه به معنای لغوی که قبلاً ذکر شد معلوم گردید که از نظر لغت، اله به معنی معبود صحیح است و اشکال آیه الله سبحانه وارد نیست. بله این صحیح است که گفته شود الله مصداق و جزئی بوده و اله کلی است بنابراین باید گفته شود «توحید الله تعالی بالالوهیه» زیرا توحید الالهیه شامل کسی که بت پرست است و تنها یک بت را می پرستد و عبادت را اختصاص به او می دهد نیز می شود. د: با توجه به آنکه اله به معنی معبود است اعم از آنکه به حق یا ناحق باشد پس معلوم است که هر گز دین توحید الوهیت را نمی گوید، مگر آنکه مراد معبود به حق باشد و در این صورت باید گفت: توحید عبادی اختصاص دادن الله تبارک و تعالی به عبادت، یعنی «ایاک نعبد، که به معنی تخصیص بالعباده/عبادت را به تو اختصاص میدهیم، است (ادامه دارد) (کتاب توحید و شرک، دیدگاه شیعه و وهابیت ص ۸۸ و ۸۹)

اخلاق فردی - تواضع:

تواضع و فروتنی مایه عزت و محبوبیت انسان است. برعکس آن، تکبر موجب دشمنی و بیزاری دیگران می گردد. تواضع آن است که انسان در برخورد با دیگران، از خود برتر بینی و تکبر دور باشد و خود را پایین بداند و خاکسار باشد. اولیای خدا همه تواضع داشتند و همین خاکساری و فروتنی مایه نفوذ آنان در دل ها می شد. هم نزد خدا محبوب بودند، هم پیش بندگان خدا. تواضع صفتی است که نه حسد کسی را می انگیزد نه دشمنی او را، بلکه محبوبیت می آورد. امام حسن عسکری (ع) می فرمایند: تواضع نعمتی است که کسی بر او حسد نمی برد. پیامبر خدا (ص) تواضع داشت. چهره ای باز و خندان، برخوردی با صفا و سخنی همراه با تبسم داشت. به همه سلام می داد و سبقت در سلام از ویژگی های آن حضرت بود. به همه احترام می کرد، وارد مجلسی که می شد هر جا که جا بود می نشست و جای خاصی برای خود اختصاص نمی داد. از اصحاب خویش دلجویی و تفقد می کرد. به عیادت مریض و تشییع جنازه می رفت، روی زمین می نشست و روی زمین غذا می خورد. با محرومان و مساکین هم غذا می شد. پیش کسی پای خود را دراز نمی کرد. حرف کسی را قطع نمی کرد و... این ها نمونه هایی از رفتار متواضعانه آن حضرت با مردم بود. به همان اندازه که تواضع نسبت به برادران دینی و افراد معمولی پسندیده است، تواضع در برابر قدرتمندان و ثروتمندان ناپسند و زشت و نشانه حقارت انسان است. امام علی (ع) فرمودند: هر کس نزد ثروتمندی برود و به خاطر ثروتش برای او تواضع کند، دو سوم دینش رفته است. تواضع با ذلت و حقارت فرق دارد. حقارت نفس آن است که کسی واقعا پست و فرومایه و خود کم بین باشد و به ارزش های انسانی خویش واقف نباشد و پستی را بپذیرد. ولی تواضع آن است که کسی در عین داشتن مال و علم و قدرت و مقام و شهرت، رفتاری فروتنانه داشته باشد و این مسائل برای او کبر و غرور نیاورد.



سبک زندگی پرهیزگانه

سبک زندگی مجاهدان



سردار شهید حاج عباس کریمی قهرودی، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)

تواضع و فروتنی عباس باور نکردنی بود. همیشه عادت داشت وقتی من وارد اتاق می شدم، بلند می شد و به قامت می ایستاد. یک روز وقتی وارد شدم روی زانوانش ایستاد. ترسیدم، گفتم: عباس چیزی شده، پاهایت چطورند؟ خندید و گفت: "نه! شما بد عادت شده اید؟ من همیشه جلوی تو بلند می شوم. امروز خسته ام. به زانو ایستادم." می دانستم اگر سالم بود بلند می شد و می ایستاد. اصرار کردم که بگوید چه ناراحتی دارد. بعد از اصرار زیاد گفت: چند روزی بود که پاهایم را از پوتین در نیاورده بودم. انگشتان پاهایم پوسیده است. نمی توانم روی پاهایم بایستم. عباس با همان حال، صبح روز بعد به منطقه جنگی رفت. این اتفاق به من نشان داد که حاج عباس کریمی از بندگان خاص خداوند است. (راوی: همسر سردار شهید حاج عباس کریمی)



دنبال تحصیل دنیا نباش

پسرم! هیچ گاه دنبال تحصیل دنیا، اگر چه حلال او باشد، مباح که حب دنیا، گر چه حلالش باشد، رأس همه خطایاست؛ چه خود حجاب بزرگ است و انسان را ناچار به دنیای حرام می کشد. تو جوانی و با قدرت جوانی که حق داده است می توانی اولین قدم انحراف را قطع کنی و ننگاری به قدم های دیگر کشیده شوی که هر قدمی، قدم هایی در پی دارد و هر گناهی گرچه کوچک به گناهان بزرگ و بزرگ تر انسان را می کشد به طوری که گناهان بسیار بزرگ در نظر انسان ناچیز آید.

فرازی از نامه امام خمینی (ره) به فرزندش سید احمد (ره)

